



ضد انقلاب به دنبال پناهگاه جدید

پس از قطع کمک‌های مالی آمریکا به گروه‌های ضدایرانی، بسیاری از سازمان‌های تجزیه‌طلب و تروریستی با بحران مالی روبه‌رو شده‌اند و حالا باید برای بقا به دنبال منابع مالی جدید باشند

با اقدام اخیر ترامپ برای تعلیق کمک‌های مالی که پیش از این آمریکا به شرکت‌ها و موسسات ضدایرانی پرداخت می‌کرد، هم اکنون گروه‌های تجزیه‌طلب و تروریستی که سال‌ها به کمک‌های مالی آمریکا وابسته بودند، با بحران مالی جدی مواجه شده‌اند. این وضعیت باعث شده که آن‌ها به این نتیجه برسند که اتکا به حمایت‌های خارجی، استراتژی پایداری نیست و به دنبال منابع مالی جایگزین باشند. دلارهای آمریکا؛ پشتوانه مالی گروه‌های مخالف ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه‌های مختلف ضدانقلاب و تجزیه‌طلب به دنبال پناه گرفتن در کشورهای دیگر بودند و آمریکا میزبان بسیاری از این جریانات شد. بسیاری از اعضای گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی، همچون سلطنت‌طلبان و مجاهدین خلق (منافقین)، به آمریکا مهاجرت کردند یا پناهنده شدند. این افراد، در ادامه به‌ویژه در دهه‌های اخیر، فعالیت‌های خود را علیه جمهوری اسلامی ادامه دادند و برخی از آن‌ها در قالب رسانه‌ها، گروه‌های سیاسی و لابی‌های مختلف در ایالات متحده فعالیت کردند. این گروه‌ها به‌ویژه از حمایت‌های مالی آمریکا و برخی کشورهای غربی بهره‌مند شدند. بسیاری از آن‌ها با دریافت بودجه‌های کلان، توانستند برنامه‌های تبلیغاتی ضدایرانی را در سطح بین‌المللی راه‌اندازی کنند، علاوه بر این که برخی از این گروه‌ها به عنوان واسطه‌هایی برای تبادل اطلاعات و جمع‌آوری کمک‌های مالی و نظامی برای مقابله با حکومت ایران نقش ایفا می‌کردند. در طول سال‌ها، برخی از این گروه‌ها همچنان در آمریکا حضور داشتند و از حمایت‌های مالی و سیاسی بر خوردار شدند. برای مثال، گروه‌هایی مانند مجاهدین خلق (منافقین) که زمانی در فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا قرار داشتند، در دوره‌های مختلف توانستند با لابی‌گری در واشنگتن، حمایت‌های قابل توجهی از مقامات آمریکایی دریافت کنند. این پناهندگان و گروه‌های ضدانقلاب نه تنها از دلارهای آمریکایی بهره‌مند شدند، بلکه از رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغاتی در آمریکا استفاده کردند و توانستند تصورات و نگرش‌های منفی نسبت به جمهوری اسلامی را در سطح جهانی گسترش دهند. این روند تا کنون همچنان ادامه داشته و برخی از این گروه‌ها حتی در برخی از تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران تأثیرگذار بوده‌اند تا این که ترامپ تصمیم گرفت دیگر مالیات‌های مردم آمریکا را به جیب این‌ها نریزد. فواد ایزدی، کارشناس مسائل آمریکا به فارس می‌گوید که برخی از این گروه‌ها که مستقیماً از آمریکا تأمین مالی می‌شدند، اکنون ممکن است برای ادامه فعالیت‌های خود، به حمایت‌های جدیدی از سوی دیگر کشورها متوسل شوند. به گفته ایزدی، این جریانات احتمالاً برای جبران کاهش حمایت‌های مالی، به دنبال لابی‌های اسرائیلی، دولت‌های عربی منطقه و حتی برخی کشورهای اروپایی می‌روند. ایزدی می‌گوید که احتمال دارد برخی از عناصر ضدانقلاب هم با توجه به شرایط سخت بعد از این تصمیم به بازگشت به ایران بگردند و حتی از مواضع گذشته خود ابراز ندامت کنند. قطعاً سیاست‌های ترامپ، چه در داخل آمریکا و چه در حوزه روابط خارجی، موجب تغییرات اساسی خواهد شد و این تصمیم اپوزیسیون خارج‌نشین را دچار بحران هویتی و مالی خواهد کرد، به گفته ایزدی، در چنین شرایطی، تصمیم ترامپ برای قطع حمایت‌های مالی، ضربه‌ای بزرگ به اپوزیسیون وابسته به آمریکا وارد خواهد کرد. یکی از شعارهای اصلی ترامپ در دوران تبلیغات انتخاباتی، کاهش هزینه‌های غیرضروری دولت آمریکا بود. او بارها تأکید کرده بود که واشنگتن دچار یک سیستم ناکارآمد مالی است برای همین احتمالاً برای جلوگیری از حیف و میل شدن میلیاردها دلار از پول مالیات‌دهندگان آمریکا، سیاست‌های سختگیرانه‌تری را در پیش خواهد گرفت. این در حالی است که همین الان هم بسیاری از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی و ضدانقلاب با مشکل زیادی مواجه شده‌اند، آن‌ها که امید زیادی به روی کار آمدن ترامپ داشتند، حالا با واقعیتی متفاوت روبه‌رو شده‌اند و برای همین هم عصبانی شده‌اند. به گفته تحلیل‌گران، اگر تصمیم آمریکا ادامه پیدا کند گروه‌های ضدانقلاب که نتوانند دست خود را در جیب حامی جدیدی کنند اگر نخواهند به ایران هم بازگردند باید در وضعیت فلاکت‌باری به زندگی در آمریکا ادامه دهند.

گروه سیاسی - بنیامین نتانیاهو در حالی به آمریکا رفته است که بحران‌های داخلی اسرائیل، او را در شرایطی دشوار قرار داده است. اما این سفر، فراتر از یک دیدار دیپلماتیک معمولی است. او در تلاش است تا با القای این تصور که ایران در آستانه فروپاشی قرار دارد، ترامپ را متقاعد کند که فشار حداکثری علیه تهران باید از سر گرفته شود. این همان راهبردی است که در سال ۲۰۱۸ برای خروج آمریکا از برجام اجرا کرد. اما شرایط این بار برای خودش پیچیده‌تر شده است؛ او تحت فشار افکار عمومی و جناح‌های راست‌گرای اسرائیل قرار دارد و برای بقای سیاسی‌اش، نیازمند جلب حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکاست.

پروژه القای فروپاشی در ایران در واشنگتن، گروه‌های جنگ‌طلب و برخی تحلیل‌گران ضدایران، تصویری نادرست از شرایط داخلی ایران ارائه می‌دهند. آن‌ها مدعی‌اند که قدرت منطقه‌ای ایران به دلیل تحولات اخیر در سوریه و لبنان کاهش یافته است و حزب‌ا... دیگر نمی‌تواند به عنوان متحد تهران نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه شامات داشته باشد. هم‌زمان، ادعا می‌شود که تحریم‌های اقتصادی، نارضایتی‌های اجتماعی در داخل ایران را افزایش داده و حاکمیت را به نقطه‌ای رسانده که چاره‌ای جز حرکت به سمت سلاح هسته‌ای ندارد. تأکید بر این روایت که فشارهای داخلی و خارجی، ایران را در آستانه فروپاشی قرار داده راهبردی است که رژیم صهیونیستی و تحلیل‌گران و رسانه‌های وابسته به اسرائیل در پیش گرفته‌اند. این تبلیغات که عمدتاً از سوی منابع و مراجع خاص به صورت متواتر مطرح می‌شود با هدف ایجاد ادا رکسی غلط نسبت به ایران در ذهن سیاست‌گذاران آمریکایی در حال پیگیری است و نتیجه‌آن می‌تواند سوق دادن هیئت حاکمه ایالات متحده به سمت تصمیمات اشتباه باشد. باور به این گزاره که تغییر حاکمیت در ایران نزدیک است، می‌تواند بار دیگر آمریکا را به اتخاذ سیاست‌های پرهزینه و اشتباه‌آودا کند. تجربه گذشته نشان داده که القای چنین تصورات نادرستی که با

واقعیت‌های جاری کاملاً در تضاد است، نه تنها ایران را ضعیف نکرده، بلکه باعث افزایش توان اقتصادی، نظامی و سیاسی آن شده است.

بحران داخلی اسرائیل و نیاز نتانیاهو به فرافکنی یکی از دلایل اصلی که نتانیاهو به چنین فضا سازی‌ای نیاز دارد، بحران داخلی اسرائیل پس از جنگ غزه است. آتش‌بس اخیر با حماس، فشار زیادی بر شخص نتانیاهو که جایگاه سیاسی مترل‌لی دار دو همچنین دولت او وارد کرده و احزاب راست‌گرا، وی را به ضعف و عقب‌نشینی متهم می‌کنند. در چنین شرایطی، نتانیاهو می‌داند که برای حفظ جایگاهش، باید تهدیدی بزرگ‌تر از حماس را بر جسته کند؛ چه گزینه‌ای بهتر از ایران؟ او تلاش دارد با نمایش یک ایران مترل‌ل‌و در آستانه سقوط، واشنگتن را متقاعد کند که اسرائیل بیش از هر زمان دیگری نیازمند حمایت مالی و تسلیحاتی آمریکا برای وارد کردن ضربات نهایی به ایران است. پیگیری این راهبرد در حالی است که افکار عمومی اسرائیل نیز پس از جنگ غزه، نسبت به عملکرد او بدبین شده‌اند و او برای بقای سیاسی‌اش، به یک دشمن خارجی نیاز دارد.

آیا واقعاً ایران در آستانه فروپاشی است؟ واقعیت‌های میدانی نشان می‌دهد که برخلاف تبلیغات نتانیاهو، ایران نه تنها در وضعیت فروپاشی قرار ندارد، بلکه با وجود تحریم‌ها و فشارهای خارجی، توانسته با ایجاد تطبیق و سازگاری در وضعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود در بسیاری از حوزه‌ها حرکت رو به جلوی معناداری داشته باشد و پیشرفت کند. سیاست‌های اقتصادی اخیر ایران که در پاسخ به فشارهای تحریمی در حال پیگیری است و برخی آن را نشانه بحران معرفی می‌کنند، در واقع بخشی از اصلاحات بلندمدت برای مدیریت چالش‌های اقتصادی هستند. ایران توانسته در شرایط دشوار با گسترش ظرفیت‌های تولیدی خود، وابستگی به درآمدهای نفتی را کاهش دهد.

در حوزه نظامی، برخلاف ادعای کاهش قدرت محور مقاومت، ایران همچنان یکی از بازیگران

بازی خطرناک نتانیاهو در واشنگتن

نتانیاهو در سفرش به آمریکا قصد دارد با تبلیغ فروپاشی ایران، هم حمایت تسلیحاتی و مالی بیشتری از آمریکا دریافت و هم ترامپ را برای فشار حداکثری دوباره علیه ایران تحریک کند. اما این تاکتیک، یک بازی تکراری است که در سال ۲۰۱۸ هم انجام شد و نتیجه‌ای نداشت



توان هسته‌ای صلح‌آمیز، تقویت مقاومت اقتصادی و گسترش نفوذ منطقه‌ای تهران بود. هدف اصلی نتانیاهو از این فضا سازی، نه امنیت منطقه، بلکه بقای سیاسی خودش است. او که در داخل اسرائیل تحت فشار قرار دارد، برای ادامه حیات سیاسی‌اش نیازمند حمایت‌های آمریکا است. اما خطر این سیاست این جاست که اطلاعات نادرست او و جریان‌های همسو، می‌تواند سیاست‌گذاران آمریکایی را به سمت تصمیم‌گیری‌های اشتباه سوق دهد؛ تصمیماتی که ممکن است منطقه را به درگیری‌های گسترده‌تری بکشاند.

دروغی برای بقا نتانیاهو به‌خوبی می‌داند که بقای او در گرو همراهی واشنگتن است. اما مشکل این جاست که اطلاعات نادرستی که او و لابی‌های جنگ‌طلب منتشر می‌کنند، می‌تواند آمریکار را در مسیر اشتباه دیگری قرار دهد. برخلاف ادعا‌های مطرح‌شده، ایران همچنان یک قدرت منطقه‌ای مؤثر است که توانایی بازدارندگی موثر و مدیریت بحران‌های داخلی و خارجی را دارد. سیاست‌گذاران آمریکایی باید هوشیار باشند که بار دیگر در دام دروغ‌های نتانیاهو گرفتار نشوند و اجازه ندهند که جاه‌طلبی‌های شخصی او، سیاست‌های ایالات متحده را به سمت یک بحران جدید سوق دهد.

اصلی منطقه محسوب می‌شود. توسعه سامانه‌های موشکی، پهپادی و پدافندی، بازدارندگی استراتژیک ایران را افزایش داده و هرگونه اقدام نظامی علیه آن را بسیار پرهزینه کرده است. درگیری‌های مستقیم و غیرمستقیم میان اسرائیل و متحدان ایران در منطقه به رغم تبلیغات گسترده اسرائیل، نشان داد که ایران در اوج مواجهه با تحریم‌های همه‌جانبه موفق شده با ایجاد سازوکارهای دفاعی قابل اتکا و وضعیت آفندی و پدافندی خود را برای ایجاد بازدارندگی به صورت کم‌سابقه‌ای و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی توسعه دهد. روایت‌هایی که جنگ‌طلبان آمریکایی و اسرائیلی درباره ضعف ایران ارائه می‌دهند، در گذشته نیز بارها نادرست از آب درآمده‌اند. آن‌ها بارها مدعی شده‌اند که فشارهای اقتصادی، ایران را به زانو درآورده و حکومت این کشور در آستانه سقوط قرار داد، اما گذر زمان نشان داده که این تحلیل‌ها بر اساس داده‌های غیرواقعی و القائات رسانه‌ای بوده است.

نتانیاهو و بازی خطرناک دروغ‌نمایی نتانیاهو با طرح این ادعا که ایران در حال فروپاشی است، در تلاش است تا ترامپ را متقاعد کند که سیاست فشار حداکثری باید از سر گرفته شود. اما این استراتژی قبلاً امتحان شده و شکست خورده است. خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ قرار بود ایران را به زانو درآورد، اما نتیجه آن، افزایش



هدف اصلی نتانیاهو از فضا سازی علیه ایران، نه امنیت منطقه، بلکه بقای سیاسی خودش است. اما خطر این سیاست این جاست که اطلاعات نادرست او و جریان‌های همسو، می‌تواند سیاست‌گذاران آمریکایی را به سمت تصمیم‌گیری‌های اشتباه سوق دهد؛ تصمیماتی که ممکن است منطقه را به درگیری‌های گسترده‌تری بکشاند

نتایج پیمایش ملی مرکز تحقیقات اجتماعی شناخت درباره میزان اعتماد مردم به دولت و امید به تغییر در آینده

انتظار برای تغییرات ملموس



پس از روی کار آمدن دولت چهاردهم در شرایط خاص اجتماعی و سیاسی پس از انتخابات، انتظارات زیادی از نحوه عملکرد دولت و نتایج آن در کوتاه‌مدت شکل گرفت. طرح شعار وفاق از سوی رئیس‌جمهور آقای پزشکیان و ترکیب کابینه با همراهی مجلس، به نظر می‌رسید که موجب کاهش چالش‌های سیاسی و اجتماعی در آغاز به کار دولت شود. با این حال، پس از گذشت حدود شش ماه از شروع به کار دولت، نگرش جامعه به عملکرد کوتاه‌مدت این دولت هنوز محل سؤال است.

پیمایش ملی شناخت که با حجم نمونه حدود ۱۰۰۰ نفر و به صورت تلفنی انجام شده است، به دنبال ارزیابی دقیق‌تری از اعتماد عمومی به دولت چهاردهم و همچنین بررسی وضعیت امید به تغییر در جامعه است. این پیمایش دو شاخص اصلی را ارزیابی کرده: «اعتماد به دولت» و «امید به تغییر».

نتایج این پیمایش نشان می‌دهد که نمره میانگین شاخص ترکیبی اعتماد به دولت از صفر تا ۱۰ برابر با ۴/۱۳ بوده است. این نمره نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً پایین اعتماد عمومی به دولت است. تحلیل این شاخص بر اساس ویژگی‌های مختلف جامعه، تصویری دقیق‌تر از نگرش عمومی ارائه می‌دهد. به‌طور خاص، زنان نسبت به مردان، اعتماد کمتری به دولت دارند. همچنین، افراد با تحصیلات دانشگاهی نیز به مراتب اعتماد کمتری به دولت نشان داده‌اند. این تفاوت‌ها می‌تواند به نگرانی‌های بیشتر این گروه‌ها در زمینه مسائل اقتصادی و اجتماعی برگردد. علاوه



درصد بالای پاسخ‌های میانه و متوسط نشان‌دهنده عدم قضاوت قطعی در مورد عملکرد دولت است. این نگرش به ویژه در زمینه مسائل اقتصادی، مانند تورم و بیکاری، کاهش امید به تغییرات سریع است

که در صورت ادامه دولت پیشین، وضعیت کشور بهتر بود. این نگرش نشان‌دهنده نارضایتی قابل توجهی از عملکرد دولت جدید در مدت زمان کوتاه است و تأثیر منفی بر اعتماد عمومی دارد. در مجموع، نتایج پیمایش حاکی از آن است که در حال حاضر بخشی از جامعه هنوز در انتظار مشاهده نتایج ملموس عملکرد دولت در زمینه حل مشکلات اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی است. درصد بالای پاسخ‌های میانه و متوسط نشان‌دهنده عدم قضاوت قطعی در مورد عملکرد دولت است. این نگرش به‌ویژه در زمینه مسائل اقتصادی، مانند تورم و بیکاری، نشان‌دهنده کاهش امید به تغییرات سریع است. اگرچه نگرش نسبتاً مثبت نسبت به شخص رئیس‌جمهور وجود دارد، اما این نگرش در برابر ناکامی‌های اقتصادی و نارضایتی از عملکرد دولت در زندگی روزمره چندان معنادار نیست. این نتایج می‌تواند زنگ خطری برای دولت در جهت افزایش پاسخگویی به انتظارات عمومی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور باشد.

پزشکیان توانایی زیادی در بهبود روابط ایران با دیگر کشورها دارد. اما در مقابل، تنها ۱۵/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان به توانایی دولت در حل مشکلات اقتصادی، مانند تورم و بیکاری، اعتماد داشته‌اند. این شکاف نشان می‌دهد که مردم بیشتر به توانایی دولت در سیاست‌های خارجی امید دارند تا در حل مسائل اقتصادی. همچنین در بررسی میزان اعتماد به صداقت و پاسخگویی دولت، بیشترین نگاه مثبت مربوط به محبوبیت شخص آقای پزشکیان است، به طوری که ۳۴/۴ درصد از مردم او را «زیاد یا خیلی زیاد» محبوب می‌دانند. در حالی که در زمینه پاسخگویی به انتقادات مردم، تنها ۱۷/۵ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که دولت به نظرات و انتقادات مردم توجه دارد. این اختلاف می‌تواند به بی‌اعتمادی مردم به پاسخگویی دولت در مسائل اساسی اجتماعی و اقتصادی منجر شود. یکی از سؤالات مهم در این پیمایش، مقایسه عملکرد دولت چهاردهم با دولت پیشین بوده است. ۴۱/۳ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند

بر این، ساکنان مراکز استان‌ها و استان‌های با محرومیت کمتر نیز اعتماد کمتری به دولت دارند. این نکته حاکی از تأثیر تفاوت‌های منطقه‌ای و اقتصادی در ارزیابی عملکرد دولت است. نکته مهم دیگر، تفاوت در میزان اعتماد افراد با گروه‌های سنی مختلف است. گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ سال، یعنی افراد میان‌سال با مسئولیت‌های خانوادگی و اقتصادی، اعتماد کمتری به دولت نشان داده‌اند. این مسئله می‌تواند به نگرانی‌های این گروه‌ها نسبت به آینده اقتصادی و اشتغال برگردد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که افرادی که در انتخابات به آقای جلیلی رای داده‌اند نسبت به افرادی که رأی داده به آقای پزشکیان و حتی رأی‌دهندگان در انتخابات، اعتماد کمتری به دولت دارند.

در تحلیل دقیق‌تر این شاخص، می‌توان نشان داد که اعتماد به کارایی دولت در زمینه سیاست خارجی بیشتر از مسائل اقتصادی است. ۳۰/۱ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقدند که دولت آقای

تلفن تماس بخش پشتیبانی

۳۷۰۰۹۹۱۴

سفارش آنلاین
امکان ارسال عکس
دریافت فاکتور
استفاده از متن‌های پیشنهادی

WWW.۳۷۰۱۰۱R

آسان‌ترین راه سفارش آگهی ترچیم و تسلیت

